

آیا عیسی آفریده شده؟

کتاب مقدس به ما می آموزد که عیسی خلق نشده بلکه خالق بوده. “همه چیز به واسطه او آفریده شد: همه به واسطه او و برای او آفریده شدند.” (کولسیان ۱: ۱۶). این آموزه جاودانه بودن مسیح یکی از علائم بارز مسیحیت کتاب مقدسی است.

هرچند عیسی نزد مسلمین، مورمون ها، شاهدان یهوه، و سایر انواع اعتقادات الهیاتی قابل احترام است، ولی این گروهها می آموزند که عیسی موجودی مخلوق بوده. این تأکید مسیحیت ارتدوکس بر الوهیت کامل مسیح و ذات غیرمخلوقش است که مسیحیت را از تمام مذاهب و فلسفه ها متفاوت می سازد. مذاهب مختلف جهان ممکن است روی برخی مباحث مهم مانند وجود برتر و متعالی، اخلاق هدفمند و ارزش یک زندگی خانوادگی قوی متفق باشند، اما پاسخ پرسش “عیسی کیست؟” فوراً آنها را که به مسیحیت کتاب مقدسی پایبند هستند از آنها که نیستند جدا می سازد.

عقاید اولیه کلیسا صراحتاً می آموزد که عیسی مخلوق نبوده بلکه او یک شخصیت الهی ازلی است و پسر خداست. مسلمین می آموزند که مسیح یک پیامبر بشری بوده که مانند هر شخص دیگری به دنیا آمده است. مورمون ها، که به یک شکل مدرن امروزی از آریانیسم پایبند هستند، معتقدند که عیسی آغازی داشته است همانگونه که خدای پدر نیز آغازی داشته. شاهدان یهوه می گویند که عیسی اولین مخلوق یهوه بوده و اصالتاً میکائیل رئیس فرشتگان نامیده میشده. پس عیسی واقعاً در کدام طرف تقسیم بندی خالق/مخلوق قرار می گیرد؟ آیا عیسی یک مخلوق است، و بنابراین در بخش موجودات خلق شده قرار دارد یا آیا او همراه با پدر و روح القدس، خالق همه چیزهای مخلوق است؟ آیا عیسی هتروسیوس (“از یک جوهر مجزا”) از پدر است، همانطور که در قرن ۴م آریوس بدعت گذاشت، یا مسیح و پدر هموسیوس (“از یک جوهر”) هستند، همانگونه که آتاناسیوس بقا یافت و شورای نیقیه اعلام کرد؟

وقتی برای پاسخ به پرسش “آیا مسیح آفریده شده؟” تلاش می کنیم هیچ شخصی بهتر از خود عیسی برای بررسی نمی یابیم. در طول دوران خدمت عمومیش، عیسی مرتباً برای خود امتیازات الهی قائل می شد. او مرتباً حقایق را بیان می کرد که هرگز متناسب با یک موجود مخلوق نبود. او می گفت که “صاحب شبات است” (مرقس ۲: ۲۸)، و از آنجاییکه شبات توسط خدا بنا شده بود، ادعای مسیح مبنی بر “صاحب” شبات بودن یک ادعای الوهیت بود. مسیح از شناخت بی نظیر و صمیمی خود از پدر صحبت کرد (متی ۱۱: ۲۷) و شکوهی که با پدر “پیش از آغاز جهان” تقسیم کرده بود (یوحنا ۱۷: ۵) سخن می گفت. عیسی پرستش توسط دیگران را می پذیرفت (متی ۱۴: ۳۲-۳۳) و یک آینده را توصیف میکرد که او در مسند قضاوت همه ملتها خواهد نشست (متی ۲۵: ۳۱-۴۴). لوقا به ما می گوید که مسیح تا آنجا پیش رفت که به شخصه گناهان یک زن را بخشید - چیزی که تنها خدا می تواند انجام دهد - و بخشایش او را به خاطر ایمان آن زن به خودش نسبت می دهد (لوقا ۷: ۴۸-۵۰)!

شاگردان عیسی به طور مساوی در اعتقادشان به ذات خدایی و غیرمخلوق بودن عیسی روشن و صریح بودند. یوحنا به ما می گوید که “در آغاز کلام بود، و کلام با خدا بود، و کلام (عیسی)، خدا بود” (یوحنا ۱: ۱). پس از مواجه شدن با عیسی قیام کرده، تومای رسول بر او بانگ می زند، “خداوند من و خدای

من!“ (یوحنا ۲۰: ۲۸). پولس رسول از مسیح به عنوان “خدای مافوق همه” یاد می کند (رومیان ۹: ۵) و بیان می دارد که “الوهیت با همه کمالش به صورت جسمانی در مسیح ساکن است” (کولسیان ۲: ۹). در روزهای اولیه در کلیسا، عیسی هم هدف دعا بود (اعمال ۷: ۵۹) و هم آنکه در نام وی بخشش گناهان اعلام شده بود (اعمال ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۳). پس از مورد بازجویی قرار گرفتن مسیحیان و تهدید آنها به مرگ، پلینی جوان حاکم روم در نامه اش به امپراطور تراژان (۱۱۰ پس از میلاد) نوشت که “مسیحیان عادت داشتند که در یک روز مشخص با یکدیگر قبل از طلوع ملاقات کنند و با اشعار مختلف سرودی را آنچنانکه برای یک خدا میخوانند برای مسیح میخواندند” (رسالات ۱۰/ ۹۶)

عیسی، خدای پسر، آفریده نشده بود، او همیشه وجود داشته. او آغاز یا پایانی ندارد. پسر در برهه ای از تاریخ بشر جسم انسانی بر خود گرفت (یوحنا ۱: ۱۴). مسیحیان از این رویداد بعنوان تجسم (“عمل جسم شدن”) یاد می کنند. این عمل از نجات ما غیر قابل تفکیک بود (غلاطیان ۴: ۴-۵، ۲ قرننیا ۵: ۲۱، عبرانیان ۹: ۲۲). از تجسم به بعد، پسر ابدی و غیر مخلوق هم حقیقتاً خداست و هم حقیقتاً انسان. اما هیچوقت زمانی نبوده که پسر وجود نداشته باشد. او هرگز آفریده نشده. عیسی همیشه بوده و تا ابد “خدای عظیم و نجات دهنده ما” خواهد بود (تیتوس ۲: ۱۳).

منبع پیشنهادی مطالعه: Jesus: The Greatest Life of All by Charles Swindoll

